



۲۷ مه ۲۰۰۹



چماق و دیگر هیچ!

در مطالب این وبلاگ از توطئه‌ها در مورد کشور ایران کم نگفته‌ایم. برخلاف آنچه برخی می‌پندارند، هر چه بگوئیم کم گفته‌ایم. ولی در شرایطی که فقط چند روز به نمایشات انتخابات مضحک حکومت اسلامی باقی مانده، شاهدیم که تمامی شبکه سرمایه‌داری بین‌الملل با استفاده از بازیگرانی که از دیرباز بر صحنه تئاتر «مخالف‌نمائی» با پول و وعده و تمهید به رقص در آورده بود، به آهنگی نفرت‌انگیز از مردم ایران تقاضا می‌کند که در این صحنه «ضدایرانی» شرکت فعال داشته باشند! می‌باید پرسید، چه شده که سرمایه‌داری قدرقدرت غرب اینگونه دست به دامان این و آن می‌شود، تا دکان «انتخابات» مردمی را در نظامی گرم کند که سه دهه پیش برای جلوگیری از حضور واقعی مردم در صحنه سیاست کشور به قدرت رسانده؟

بله، اگر از توطئه غرب بر علیه ملت ایران کم نگفته‌ایم، از یک عامل شاید آنقدرها که شایسته بوده تا به حال سخن به میان نیاورده‌ایم: عکس‌العمل ملت ایران! زمانیکه مراکز تصمیم‌گیری

حکومت جمکران می‌توانست یک ابله‌فریب و مضحکه از قماش سیدمحمد خاتمی را از کیسه بیرون کشیده به میانه میدان «مسابقات» احمق پروری پرتاب کند. و با اینکار به احتمال زیاد غربی‌ها نیازی به اینهمه تبلیغات برای «توجیه» شرکت مردم در این «انتصابات» استعماری نمی‌داشتند. چرا غرب اینکار را نکرده؟ و با اینهمه، چرا کانال‌های تبلیغاتی غرب سعی تمام دارند تا حضور اکثریت مردم را نیز پای صندوق‌های رأی‌گیری «تضمین» کنند؟

همانطور که در مطلب پیشین عنوان کردیم، برخورد با این «انتخابات» بر خلاف آنچه گروهی سر زبان‌ها انداخته‌اند، نمی‌باید در چارچوب بررسی «حماسه دوم خرداد» صورت گیرد. شاید در اینجا لازم باشد به اختصار تحلیل خود را از پدیده دوم خرداد ارائه دهیم. در چارچوب منافع غرب، روز دوم خرداد، سیدمحمد خاتمی از صندوق‌ها بیرون کشیده شد، تا با تکیه بر هیاهوی تبلیغاتی و زمینه‌سازی‌های نظامی و امنیتی، یک کودتای «نظامی - اسلامی» به سیاق و روش کودتاهای پاکستان و ترکیه در ایران صورت گیرد. هدف اصلی از این کودتا سازماندهی دوباره مسئله‌ای به نام «اسلام سیاسی» در منطقه بود، اسلامی که در صحنه‌های مختلف افغانستان، پاکستان و حتی عراق با بن‌بست‌هایی روبرو شده بود. غرب قصد داشت که این زمینه را بر اساس منافع درازمدت خود بار دیگر از نو سازمان دهد، و در اینراه مسلماً شاه‌کلید منطقه را ایران دیده بود.

ولی به دلیل فروپاشیدن دیوارهای امنیتی «جنگ سرد» اعمال کودتا در ایران امکانپذیر نشد. روسیه در چارچوب منافع خود از این تغییر و تحول «یک‌شبه» که مسلماً نمی‌توانست منافع درازمدت مسکو را مدنظر قرار دهد استقبال نکرد، و این برنامه به طور کلی از هم فروپاشید. جای تعجب ندارد که درست پس از برملا شدن پروژه کودتا در ایران، انفجارات نیویورک، مسئله افغانستان، جنگ عراق، به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه، و ... و امروز جنگ در پاکستان را شاهد باشیم. اینهمه به این دلیل که غرب نتوانست در موعد مقرر شبکه اسلام‌گرایی را که به دست خود طی دهه ۱۹۸۰ در منطقه پایه‌ریزی کرده بود در مسیر منافع جدید خود متحول کند. ما ایرانیان می‌باید اشراف خود را بر این مسئله حفظ کنیم که این «بن‌بست‌ها»، امروز در قالب یک جنگ منطقه‌ای چندصدهزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های منطقه را به خاک و خون کشیده.

طی انتخابات گذشته ریاست جمهوری، بیرون کشیده شدن احمدی‌نژاد از صندوق‌ها فقط برای فراهم آوردن زمینه جنگ بین ارتش آمریکا، اسرائیل و حکومت اسلامی بود، جنگی که می‌توانست نهایت امر ایران را به عراقی دیگر، خصوصاً در مرزهای آبی روسیه و در سواحل دریای خزر تبدیل کند.

سرمایه‌داری غرب یک دل و یک صدا، اینچنین با هیاهو و غوغا سعی در به ارزش گذاشتن یک نمایش مضحک «استبدادی» دارند، می‌باید قبول کرد که در برابر خود مقاومت یک ملت را می‌بینند. اشتباه نکنیم، زمانیکه هیاهو در غرب به آسمان می‌رود مهم‌ترین نشانه «آشفستگی» سیاسی است. غربی‌ها اگر در چارچوب منافع خود با مشکلی در روند نمایشات انتخاباتی ایران روبرو نمی‌بودند، همچون نمونه انتخابات گذشته، یا بی‌سروصدا از کنار این پدیده می‌گذشتند، و یا هیاهو را به یک یا دو روز پیش از انتخابات محدود می‌کردند. اینکه یک ماه پیش از آغاز این نمایشات تمامی رادیوهای خارجی، سایت‌ها و خبرگزاری‌های فارسی زبان در داخل و خارج یکصدا دست به هیاهو برداشته‌اند، نشان از این امر دارد که وحشت سرپای حاکمان غرب را فراگرفته. اینان هراس دارند با مقاومت ملت روبرو شوند. و این مقاومت در چارچوبی که حکومت اسلامی در این به اصطلاح انتخابات «پیشنهاد» کرده، فقط تحریم این نمایشات ضدایرانی می‌تواند باشد.

در مطالب پیشین از احمدی‌نژاد و دیگر نامزدها کم‌نوشته‌ایم. به عقیده ما تصمیم حکومت اسلامی به تمدید دولت احمدی‌نژاد از پیش گرفته شده. و به همین دلیل نیز این سه «نخاله» را در برابر وی قرار داده‌اند. حکومت اسلامی حتی همچون دوره هیاهوی «سیدخندان» ملت ایران را در حدی ندیده که یک «نامزد نمایشی» برای گرم کردن تنور انتخابات به میانه میدان بیاندازد. اگر بی‌بی‌سی، رادیوفردها، صدای آمریکا و ... هر یک از این سه «نامزد نخاله» را به هزار «رنگ و لعاب» بزک می‌کنند تا از آنان «شخصیت» سیاسی بسازند، حاکمیت‌ها در غرب بخوبی دریافته‌اند که ملت ایران فریب این مسخره‌بازی را نخورده.

نخست اینکه حکومت اسلامی اصولاً خواستار اعمال هیچگونه تغییری در روند مسائل کشور نیست، و اینرا در همینجا می‌باید به صراحت قبول کرد. به همین دلیل نیز جمکرانی‌ها کسانی را نامزد مقام ریاست جمهوری خودشان کرده‌اند که در عمل نسخه «اصل» همان احمدی‌نژادند. افرادی از قبیل موسوی و رضائی همان احمدی‌نژادند با چندین و چند سال سابقه بیشتر در سرکوب و لات‌بازی. همانطور که پیشتر نیز گفته‌ایم این آقایان تحت نظر سازمان‌های حقوق‌بشر، و حتی پلیس بین‌الملل قرار دارند، و متهم به جنایت و اعمال خشونت، بمب‌گذاری و قتل‌عام هستند. احمدی‌نژاد در مقایسه با اینان «فرشته‌ای» معصوم می‌نماید! پس مردم ایران منفعتی ندارند که یک جانی و متهم دادگاه‌های بین‌الملل را به ریاست جمهوری کشور برگزینند. با این وجود فشار تبلیغات خارجی هر لحظه بر فضای اجتماعی ایران افزایش می‌یابد. آیا مردم ایران از خود پرسیده‌اند که اگر این غربی‌ها تا این حد «کشته و مرده» انتخابات «آزاد» در ایران بودند، چرا یک نخاله از قماش سیدخندان را بیرون نکشیدند تا با خیمه‌شب‌بازی وی را به خورد مردم ایران بدهند؟ سئوال دیگری در همینجا مطرح می‌شود، چرا غرب اینچنین خواستار حضور مردم در این «انتخابات» شده، و در پس پرده «مصلحت‌بینی‌های» مردم فریبانه چه منافع استراتژیک و اقتصادی می‌تواند وجود داشته باشد؟

این نقشه نیز با شکست کامل روبرو شد، و آنچه امروز بلندگوهای طرفداران احمدی‌نژاد تحت عنوان «مدیریت برنامه هسته‌ای» به خورد ملت می‌دهند، در واقع برگه‌ای است از پرونده سنگین شکست پروژه سیاسی و نظامی احمدی‌نژاد.

در این چارچوب است که اینک می‌توان به سئوالاتی که در بالا مطرح کرده بودیم، یک به یک پاسخ داد. نخست اینکه غرب به صراحت می‌داند با بیرون کشیدن یک «نامزد قابل قبول» و قرار دادن وی در برابر رأی‌دهندگان ایرانی، در شرایط فعلی ابتکار عمل را کاملاً از دست خواهد داد. چرا که اینبار اگر ملت ایران به صورت گسترده به فردی «قابل قبول» رأی بدهند، به صحنه آوردن لات و لوت‌های حکومتی به همان سیاق دوران سیدخندان دیگر امکانپذیر نیست، و غرب مجبور خواهد شد در برابر مطالبات دمکراتیک ملت ایران گامی به عقب بردارد. و این کار در شرایط فعلی به تدریج همچون بهمنی سهمگین تمامی منافع غرب در منطقه را از هم فرو خواهد پاشاند. به همین دلیل است که این سه «نخاله» را در برابر احمدی‌نژاد گذاشته.

حال می‌باید به سئوال دیگری نیز پاسخ داد. چرا غرب اینهمه اصرار دارد که مردم ایران در «انتخابات» کذا شرکت هم نکنند؟ این سئوال را فقط می‌توان با شناخت از استراتژی جهانی غرب در قبال کشورهای چون ایران و کره شمالی دریافت. «شناسائی» کردن یک ملت با یک رژیم سیاسی، خصوصاً اگر این رژیم دست‌نشانده و نوکر سازمان‌های اطلاعاتی غربی باشد، کار سیاست‌گذاری در منطقه را بسیار سهل و آسان خواهد کرد. به طور مثال، شاهدیم که مرتباً در خبرگزاری‌های «انساندوست» غرب از حکومت استالینیستی کره شمالی انتقاد به عمل می‌آید، ولی هیچگاه از مخالفان این رژیم سخنی نمی‌شنویم! در تبلیغات غرب این رژیم «مخالف» ندارد! تصویری که غرب از کره شمالی در برابر جهانیان به حرکت در می‌آورد، همان رژه‌های چندمیلیونی است که لرزه بر اندام انسان می‌اندازد. غرب با زبان بی‌زبانی می‌گوید، «این مردم همه طرفدار همین رژیم‌اند!» در نتیجه در هنگامه بده‌بستان‌های سیاسی و استراتژیک با طرف‌های روس و چینی، غربی‌ها دلیلی نمی‌بینند که مسئله‌ای «بی‌اهمیت» همچون ملت کره را نیز مد نظر قرار دهند. این همان هدفی است که غربی‌ها در پس پرده حمایت از حضور مردم ایران در این انتخابات مضحک و ایرانی‌ستیز در سر می‌پروراندند.

غرب در صدد ارائه یک تصویر مخدوش از ملت ایران به جهانیان است. تصویری که می‌تواند با استفاده از حضور «فراگیر» ملت ایران در انتخابات نمایشی این رژیم استبدادی برای این حکومت یک مشروعیت «رسانه‌ای» نیز در افکار عمومی غرب تأمین کند. و این امکان را فراهم آورد که در زمان مطلوب هر گونه برخورد با مسائل کشور ایران بدون در نظر گرفتن این امر صورت گیرد که «ملتی نیز وجود دارد که مخالف این رژیم است.» در چنین شرایطی است که غرب هم مهره‌های مورد نظر خود را بر شرایط اجتماعی حاکم کرده، و هم از طریق «نمایشات» انتخاباتی این مهره‌ها را به عنوان نمایندگان واقعی ملت ایران

به جهانیان معرفی خواهد کرد. ایرانیان می‌باید این شرایط را مدنظر قرار دهند، چرا که در صورت موفقیت غرب در تأمین این تصویر مخدوش، جامعه ایران با خطرات بسیار سهمگینی روبرو خواهد شد. و همانطور که پیشتر نیز گفته بودیم، در فردای این انتخابات دیگر ملت نمی‌تواند صدای خود را به گوش جهانیان برساند، چرا که ملت ایران با این رژیم در افکار عمومی جهانیان «شناسائی» شده.

بی‌دلیل نیست که تمامی نانخورهای شبکه ایران‌ستیز که تحت عنوان «گروه‌های سیاسی» و به اصطلاح «حزب» در داخل و خارج با پول و امکانات غرب فعال شده‌اند، از ماه‌ها پیش برای این به اصطلاح انتخابات اسب لنگ و قاطر چموش خود را زین کرده بودند. به طور مثال، حزب استالینیست توده که در چارچوب عقیدتی خود قاعدتاً می‌باید هر گونه انتخابات را خارج از کادر شورائی، «بورژوائی» و مخدوش تلقی کند، از شش ماه پیش ذکر انتخابات گرفته و دم حوزه‌های حکومت اسلامی چادر زده بود! و یا اوباش نهضت‌آزادی و تحکیم‌وحدت همه روزه با شعار «انتخابات، انتخابات»، هم زیر سیل‌شان ظاهراً بر علیه این حکومت «غرغر» می‌کنند، و هم در پنهان برای حکومت اسلامی «بلبل‌زبانی» و خوش‌رقصی! این از چپ‌افراطی، و اینهمه از راست افراطی و مذهبی و آخوندی! در میانه این دو طیف افراطی، اوباش دیگری را خواهیم یافت که در ینگه‌دنیا، انگلستان و فرانسه لنگر انداخته‌اند و مرتباً از مردم ستم‌دیده ایران می‌خواهند تا به پای صندوق‌های رأی رفته، یک بار دیگر به رژیمی «رأی‌اعتماد» بدهند که خودشان حاضر نیستند تحت لوای قوانین‌اش در ایران زندگی کنند! حال شاید مقصود ما از خودفروختگی، رذالت و دریدگی تا حدودی روشن شده باشد.

ولسی همانطور که در بالا عنوان کردیم، به نظر می‌آید که غرب از نتایج اوباش‌گری‌های خود در ایران به شدت نگران شده. شبکه اوباش‌پروری غرب از این بیم دارد که به اهداف تعیین شده در نمایشات انتخاباتی حکومت جمکران نائل نشود. و به همین دلیل است که تمامی شبکه جهانی خود را جهت تشویق ملت ایران به شرکت در این نمایشات ضدایرانی بسیج کرده. و این نیست جز بازتابی از مقاومت ملت ایران در برابر این تحمیل و زورگوئی. ما مطمئن‌یم که در این بزنگاه جواب ملت ایران به زورگویان قاطعانه و دندان‌شکن خواهد بود. اگر محافل غرب عاشق و دل‌باخته ملا و آخوند و پاسدارند، چه بهتر که اینان را نزد خود و در سرزمین خود با آغوش باز بپذیرند، ما ایرانیان این جماعت را نمی‌خواهیم، نه نخست‌وزیر جنگ ۸ ساله‌شان را می‌خواهیم، نه شیخ لری و اصلاح‌طلب‌شان، نه پاسدار و چاقوکش و بمب‌گزارشان و نه احمدی‌نژاد را! غربی‌ها خودشان اینان را از زباله‌دان بیرون آورده‌اند؟ نوش جان و گوارای وجود خودشان!